



مقایسه‌ی رباعی فارسی با جیوجیوی چینی

جانگ هوی

ایران شناس چینی



ایران و چین، هر دو کشور شعرند. *مجموعه‌ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
ایران و چین، هر دو کشورهایی متمدن و کهنند و رفت و آمدهای فرهنگی و اقتصادی نیز از دو
هزار سال پیش، بین دو کشور وجود داشته است. بررسی فرهنگ دو کشور، وجوه مشترکی را
بین آن‌ها نشان می‌دهد که از آن جمله، رواج و عمومیت شعر در هر دوی آن‌هاست.
همان‌گونه که ایران را به مثابه‌ی «کشور شعر» می‌شناسند و در این زمینه شهرت جهانی دارد و
شعر آن نیز در ملل ساکن در آسیای مرکزی و غربی، بسیار تأثیرگذار بوده است، چین نیز از جمله
سرزمین‌هاییست که مهد شعر به حساب می‌آیند.

اولین دیوان شعر چینی با نام «اشعار کلاسیک»، در زمان «بهار و پاییز» (۴) یعنی ۶۰۰ سال
قبل از میلاد مسیح، به وجود آمد که حاوی ۳۰۵ شعر بود. از آن به بعد، سنت شعر در تمام
سلسله‌های تاریخی چین ادامه یافت و شعرای بسیاری در این کشور ظهور کرده‌اند. برخی از آن‌ها

مثلث «چیویوان» (۲۷۸ - ۳۳۹ پ.م) و «دوفو» (۷۱۲ - ۷۷۰ م.) تأثیر مهمی بر ادبیات سایر ملل، من جمله ژاپن، کره و ویتنام داشتند. کره‌ای‌ها هنوز هم مثل چینیان، در روز پنجم از پنجمین ماه چینی را (که برابر با ماه ژوئن است)، برای درگذشت چویوان مراسم یادبود برگزار می‌کنند. برخی شعرای ژاپنی نیز از سبک اشعار دوفو تقلید کرده‌اند. «هوجی مینگ» (هوشی مینه) - رهبر انقلابی سابق ویتنام - نیز در سرودن شعر چینی مهارت داشت.

رباعی فارسی و جیوجیوی چینی

رباعی فارسی، شعریست شامل چهار مصراع که در آن، مصراع‌های اول، دوم و چهارم، هم قافیه‌اند و بر وزن «لا حول ولا قوة الا بالله» است. نکته‌ی جالب، این جاست که در چین قدیم نیز گونه‌ای شعر وجود دارد که به همین ترتیب، شامل چهار مصراع است و نیز در آن، مصراع‌های اول و دوم و چهارم، مقفایند. این نوع شعر را «جیوجیوی» می‌گفتند. شباهت بین این دو، مقایسه‌ی آن‌ها را باهم، موجه می‌کند. بیایید ابتدا چند نمونه از این دو نوع شعر را در کنار هم ببینیم:

رباعی فارسی:

برخیز بتا بیا ز بهر دل ما	حل کن به جمال خویشتن، مشکل ما
یک کوزه شراب تا به هم نوش کنیم	حل کن به جمال خویشتن، مشکل ما

(خیام)

با آن که دلم از غم هجرت خون است	شادی به غم توام ز غم افزون است
اندیشه کنم هر شب و گویم یا رب	هجرانش چنین است وصالش چون است

(رودکی)

و دو ترجمه از جیوجیوی چینی:

جام درخشنده و یاده‌ی گل رنگ	روی اسب نشسته در دست چنگ
اگر در میدان نبرد، مست شوم خنده مکن	زیاد نبودند که برگشتند ز جنگ

(شاعر این شعر، «وانگ هون» است. او در زمان سلسله‌ی «تانگ» می‌زیست و این شعر را در میدان نبرد سروده است.)

نور ماه هست در پیش پنجره	حدس ز نم روی زمین شبنم یخ زده
سر را بلند و به ماه نگاه کنم	سر را پایین و فکر کنم به خانواده

(شاعر این شعر، «لی بای» است، از شاعران بزرگ چین که در ۷۰۱ - ۷۶۲ میلادی)



می زیسته است. او به قصد کار و سفر، مدتی طولانی از خانه و خانواده‌ی خود جدا مانده بود و بدین سان، در دل شب، نگرستن به ماه، او را به یاد خانواده و دل بستگیش به آن‌ها می اندازد.

اکنون ببینیم از نمونه اشعار بالا چه چیزی دست گیرمان خواهد شد:
مشابهت رباعی فارسی با جیوجیوی چینی

۱- هر دو گونه‌ی شعر، از چهار مصراع - دو بیت - تشکیل شده‌اند؛

۲- در هر دو گونه‌ی شعر، رعایت قافیه‌ی مصراع‌های اول و دوم و چهارم، اجباری است؛ اما رعایت قافیه‌ی مصراع سوم، اختیاری است؛ شمای تصویری آن، این گونه است:

_____ آ	_____ آ
_____ آ	_____ ب

۳- شکل مفهومی هر دو شعر، چنین است که همواره در دو مصراع نخست، زمینه را توصیف می‌کنند؛ مصراع سوم، در حکم آمادگی برای مصراع چهارم است و گاه نیز حکم معینی ندارد و صرفاً پلیست برای رسیدن به مصراع آخر که مقصود نهایی شعر را در بردارد.

وزن رباعی فارسی و جیوجیوی چینی

وزن رباعی فارسی را از دیرباز، مشخص کرده‌اند و آن را معادل وزن عبارت « لا حول ولا قوة الا بالله » دانسته‌اند؛ اما در مورد جیوجیوی چینی، چنین وضوحی وجود ندارد و نیازمند توضیح و تبیین است:

مصراع‌های جیوجیوی چینی باید کلمات یک سان داشته باشند و به طور کلی، دو شکل جیوجیو وجود دارد: در یکی، هر مصراع، پنج کلمه دارد و در دیگری، هفت کلمه. نکته‌ی دیگر، این است که در زبان چینی، کلمات، با چهار گونه صدا تولید می‌شوند؛ یکی از آن‌ها صاف و بقیه، تغییر پذیرند. در جیوجیوی چینی، صداهای واژگان مصراع اول و دوم هر بیت، باید با یک دیگر متناظر باشند و ترتیب آن‌ها بدین صورت است:

صاف - تغییر پذیر - صاف - تغییر پذیر - صاف

تغییر پذیر - صاف - تغییر پذیر - صاف - تغییر پذیر؛

یا برعکس:

تغییر پذیر - صاف - تغییر پذیر - صاف - تغییر پذیر

صاف - تغییر پذیر - صاف - تغییر پذیر - صاف.

آیا بین رباعی فارسی و جیوجیوی چینی رابطه‌ای وجود دارد؟

رباعی فارسی در قرن دهم میلادی به وجود آمد؛ ولی اطلاع دقیقی از چه‌گونگی ایجاد آن در دست نیست. برخی معتقدند که این نوع شعر، از اشعار محلی یا «فهلویات» سرچشمه گرفته؛ اما مسأله، این است که رباعیاتی که از شعرای روزگار سامانی، به ویژه «شهید بلخی» (۹۷۰ م.)، رودکی (۹۷۴ م.) و فارابی (۹۸۴ م.) در دست است، چنان پختگی و انسجامی دارد که می‌توان حدس زد آغاز پیدایش این‌گونه‌ی شعری، باید پیش از این دوران بوده باشد؛ گرچه «شمس قیس»، رودکی را نخستین رباعی سرا معرفی کرده است؛ اما مثلاً رباعی زیر:

دوشم گذر افتاد به ویرانه‌ی توس دیدم جغدی نشسته جای تاووس

گفتم چه خبر داری از این ویرانه گفتا خبر این است که افسوس افسوس

اگر به راستی از شهید بلخی باشد، با وجود کمابیش، صد و بیست سال تقدم زمانی، از لحاظ سبک، انسجام و زیبایی، هیچ از این رباعی خیام، کم ندارد:

مرغی دیدم نشسته بر پایه‌ی توس در پیش نهاده کله‌ی کی کاووس

با کله همی گفت که افسوس افسوس کو بانگِ جرس‌ها و کجا ناله‌ی کوس

برخی برای توجیه چنین پختگی و انسجامی، خواسته‌اند آن را متأثر و وام‌گرفته از شعر عرب قلمداد کنند؛ اما مشخص شده که وزن رباعی در میان اعراب وجود نداشته و حتی برعکس، اعراب، خود، این وزن را از ایرانیان گرفته‌اند.

اکنون که در این پژوهش، شباهت رباعی فارسی و جیوجیوی ژاپنی را دریافتیم، آیا نمی‌توان وجود ارتباطی را بین این دو گونه متصور شد؟ چنین فرضی، خود می‌تواند گواهی بر وجود مبادلات فرهنگی بین ایران و چین باشد.

دو عامل، پیش از هر چیز، این فرض را ایجاد می‌کند:

نخست، این که جیوجیوی چینی در قرن ششم میلادی پدید آمد؛ یعنی حدود چهار صد سال، پیش از اختراع رباعی فارسی؛ دوم، این که در فاصله‌ی زمانی بین پیدایش جیوجیوی چینی تا زمان ایجاد رباعی فارسی، غالباً بین دو کشور ایران و چین، مبادلات بازرگانی و فرهنگی وجود داشته.

ما بر بنیاد دو عامل فوق، به راه‌های دیگری اندیشیدیم که امکان ایجاد ارتباط بین این دو گونه‌ی شعری را نشان دهد:

۱- در سلسله‌ی تانگ (۶۱۸ - ۹۰۷ م.)، برخی ایرانیان و فرزندان و نوادگان آنان که مقیم چین شده بودند، از شعر چینی خوششان آمد و آن‌ها نیز بدین شیوه اشعاری سرودند. نام برخی از آن‌ها که در کتب تاریخی ثبت شده، عبارتند از: «انفوکوه»، «لی یوان لیان»، «شی چووین»، «لی شیوان» و خواهرش «لی سیون» و... معروف‌ترین آن‌ها لی سیون است (۸۸۵ - ۹۳۰ م.). پدرش «لی سوشا» عطار و داروفروشی ایرانی بود. برادر لی سیون - لی شیوان - کار پدر خود را ادامه داد و کتابی نیز در این زمینه دارد به نام «داروهای گیاهی کشورهای بیگانه». این موضوع، نشان می‌دهد که لی سیون، لی شیوان و دیگر ایرانیانی که می‌توانسته‌اند شعر چینی را بخوانند، جیوجیوی را نیز می‌شناختند و در عین حال، با فرهنگ ایرانی آشنا بودند، پس می‌توانسته‌اند شعر فارسی را نیز به قالب جیوجیوی چینی برده باشند. از آن جا که این نوع شعر، با موسیقی، توأم بود، پس از سرودن جیوجیویهای فارسی، بازرگانان آن را آموخته و به وطن برده‌اند و از آن جا که این گونه شعر، ساده بوده و یادگیریش آسان، رفته‌رفته در میان مردم ایران رواج یافته؛ تا این که در قرن دهم میلادی، شاعران سامانی، این قالب را در اشعار خود به کار بردند و نام آن نیز ریاعی شد.

۲- یکی از اقوام ساکن در چین، «هوی‌هه»‌ها بودند که در مغولستان (منطقه‌ی خودمختار مغولستان در چین کنونی) زندگی می‌کردند. تحت تأثیر سلسله‌ی تانگ (۶۱۸ - ۹۰۷ م.) آن‌ها فرهنگ قوم «هان» را آموختند. به هنگام شورش‌هایی که در سلسله‌ی تانگ روی داد، شاه، سربازان این قوم را برای فرونشاندن شورش، گسیل کرد؛ اما در سال ۸۴۰ میلادی، ناگهان تغییرات فوق‌العاده‌ای در آب و هوای آن ناحیه روی داد و این قوم، مجبور به کوچ شدند. آن‌ها به چهار گروه تقسیم شدند: یک گروه از آن‌ها وارد قلمروی سلسله‌ی تانگ شدند؛ دومین گروه به استان «گان» در چین کنونی نقل مکان کردند؛ گروه سوم به منطقه‌ی خودمختار «اویغور» در «سین جیانگ» کنونی چین مهاجرت کردند و چهارمین گروه آن‌ها نیز از کوه‌های «تسون» (فلات پامیر کنونی) گذشتند و در آن سوی این کوه‌ها مسکن گزیدند. اگر به نقشه نگاه کنیم، می‌بینیم که آن طرف کوه‌های تسون، همان افغانستان، ازبکستان، تاجیکستان و خراسان ایران است. آن‌ها فرهنگ خود را نیز به هم‌راه خود آوردند و از آن جمله، جیوجیوی چینی را نیز. این نوع شعر، رفته‌رفته چون ترانه‌های محلی، در این منطقه رایج شد. پس از گذشت یک قرن، رودکی و دیگر شاعران دستگاه سامانی، به این نوع شعر توجه کردند و قالب آن را در شعر پارسی به کار گرفتند و بدین سان، ریاعی فارسی به وجود آمد.

اگر استنباط‌های فوق، معقول و منطقی باشد، می‌شود نتیجه‌گرفت که عمق و وسعت مبادلات فرهنگی ایران و چین، بیش از آن چه اکنون تصور می‌شود، بوده است و بنابراین، نیازمند پژوهش بیش‌تریست.

تتمه‌ی مقاله

سه سال پیش برای سمینار «ایران‌شناسی» که در تهران برگزار شد، مقاله‌ای فرستادم با عنوان «کوشش برای حل راز لاینحل مانده - اولین شاهد مبادله و آمیختگی بین چین و غرب». در این مقاله نوشته بودم که در سال ۱۹۸۶ میلادی، آثار باستانی بسیاری را که مربوط به حدود ۳۰۰۰ سال پیش بود، در منطقه‌ی «سان سینگدو»ی چین از دل خاک بیرون آوردند که احتمال دارد به ایرانیان قدیم، مربوط باشد و این نیز خود، دلیلی می‌تواند بود بر این که رفت و آمدهای ایرانیان و چینیان، لااقل از ۳۰۰۰ سال پیش، آغاز شده بوده است.

اگرچه ممکن است رباعی فارسی، از جیوجیوی چینی به وجود آمده باشد، اما رباعی فارسی، ویژگی‌های خاص خود را دارد و محبوبیت خاص جهانی خود را نیز. رباعیات خیام، به بیش از صد زبان ترجمه شده و در چین نیز ۲۵ نفر، آن‌ها را ترجمه کرده‌اند (برخی از این مترجمان، در چین، بسیار مشهورند) و پانزده دیوان وابسته به این رباعیات نیز منتشر شده‌اند که چهارتای آن‌ها مستقیماً از فارسی به چینی درآمده‌اند.